

مجوز فعالیت یک هفته‌ای بی‌بی‌سی فارسی در ایران برای تهیه گزارش‌ر از زمینه مذاکرات هسته‌ای مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفته است؛ رسانه‌ای که نمی‌توان از نقش بی‌پیدل آن در ایجاد فتنه‌انگیزی و خیانت در ایران چشم‌پوشی کرد و با تورق تاریخ می‌توان فهمید مشی و روش بی‌بی‌سی از سال ۱۳۲۰ تاکنون هیچ تغییری نکرده است.

۱- **تأسیس رادیو بی‌بی‌سی در آستانه اشغال ایران توسط متفقین در شهریور ۱۳۲۰**

در سال‌های منتهی‌ی به اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ شوری و انگلستان براساس رویه رقابت‌آمیز همیشگی خود در ایران به منظور پیگیری سیاست‌های تبلیغاتی خود در طول جنگ دوم جهانی به رسانه برتر روز یعنی رادیو روی آوردند و هر کدام به فاصله اندکی از همدیگر در برنامه‌های رادیویی برون‌مرزی خود بخش فارسی تأسیس کردند.ابتدا شوری و به فاصله حدود یک سال انگلیس رادیویی به زبان فارسی راهاندازی کردند. آلمان هیتلری نیز برای بهره‌گیری از سلاح تبلیغات، رادیو برلین را پایه‌ریزی کرده بود تا افکار عمومی ایرانیان را به سود کشور متبوع خود سوق دهد. بنابراین در سال‌های پایانی عصر رضاشاه، رادیو مهم‌ترین رسانه تاثیرگذار در حیات سیاسی و اجتماعی ایران و جهان به شمار می‌رفت. این مساله درست مقطعی بود که تنها ۲ سال از ورود رادیو به ایران سپری شده بود.

برنامه‌های گسترش رادیو که یک سال و اندی از عمر آن می‌گذشت با اشغال ایران با مشکل روبه‌رو شد. در این میان «ایره سانسور» نیز با فشار شوری و انگلستان در اسفند ۱۳۲۰ با حضور نمایندگان این دو کشور، برای سانسور در رادیو و مطبوعات ایران و متحدین شکل گرفت.

بی‌بی‌سی فارسی که به رادیو لندن نیز معروف است، از قدیمی‌ترین بخش‌های این رسانه به زبانی غیرانگلیسی است که در دی ۱۳۱۹/۱۳دسامبر ۱۹۴۰ با بودجه وزارت خارجه انگلیس آغاز به کار کرد. با توجه به اهمیت راهبردی ایران و نقش تبلیغات در این بخش از جهان، عمده‌ترین مأموریت‌های آن، این بود که ضمن خنثی‌سازی تبلیغات رادیو برلین، برنامه‌هایی در راستای سیاست‌های جنگی دولت بریتانیا و متفقین سازمان دهد و ذهن ایرانیان را آماده برکناری رضاشاه و اشغال ایران کند.

رادیو لندن با پخش مطالبی علیه رضاشاه زمینه اشغال ایران را فراهم می‌کرد و روس‌ها نیز با اعلامیه‌های فارسی که توسط هواپیماهای جنگنده روی شهرهای شمالی می‌ریختند، وی را مورد انتقاد قرار می‌دادند. در مجموع اهداف و محورهای برنامه‌های بخش فارسی رادیو بی‌بی‌سی را در ایام اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ می‌توان به شرح زیر جمع‌بندی کرد:

- تلاش برای نشان دادن خود به‌عنوان رسانه بی‌طرف در رویدادهای داخلی ایران در حوزه‌های مختلف

- مشروعیت بخشیدن به اشغال ایران
- شکستن مقاومت ایرانیان در مقابل اشغالگران
- شکل‌دهی افکار عمومی ایرانیان در خصوص منافع متفقین و ایجاد نگاه مثبت نسبت به آنها
- نقش اطلاعاتی در تمام بحران‌ها و رویدادهای سیاسی ایران
- ایجاد اختلافات قومی و مذهبی در ایران
- تلاش برای جذب مخاطبان تحصیلکرده جامعه ایران بویژه جوانان.

رادیو بی‌بی‌سی با مهندسی افکار عمومی ایرانیان در شهریور ۱۳۲۰ با شایعه‌سازی و در هم‌آمیختن برخی واقعیت‌ها با ادعاهای غیرواقعی، موفق به شکل‌دهی یک واقعیت تاریخی یعنی پایان سلطنت رضاشاه شد.

به این ترتیب که ایسن رادیو نقش عمده‌ای را در کنار سایر عوامل در تخریب چهره رضاشاه ایفا کرد تا حدی که آن شایعات به واقعیتی تاریخی بدل شد و تا سال‌ها بر اندازن ایرانیان سنگینی کرد. بی‌بی‌سی توانست با شگردهای جنگ روانی و تبلیغاتی، مقاومت ایرانیان را در برابر قوای اشغالگر بشکند و ذهن آنان را آماده پذیرش اشغال کشورشان از سوی متفقین کند. غیر از رادیو لندن که مرتباً از رضاشاه انتقاد و افکار عمومی ایران را علیه او تحریک می‌کرد، رادیو دهلی و سایر رادیوهای اقماری انگلیس نیز با رادیو لندن همصدا شده و بستر مناسب و قابل پذیرشی برای برکناری و تبعید رضاشاه فراهم آوردند.

۲- **خیانت بی‌بی‌سی فارسی به مردم ایران در دوران پهلوی**

همانطور که اشاره شد در جریان جنگ دوم جهانی، رضاشاه با چرخش به سمت آلمان، در مقابل متفقین قرار گرفت، لذا انگلستان تلاش کرد این مهره سوخته را کنار بگذارد. در این حین بی‌بی‌سی مسؤول اولیه آماده کردن شرایط برکناری رضا شاه و تحویل اوضاع سیاسی به جانشین او شد. در کنار این نقش مهم، بی‌بی‌سی نقش حامی محمدرضا را داشت، چ‌را که انگلیسی‌ها بقای او را در راستای سیاست‌های خود می‌دیدند. لذا این رسانه انگلیسی چشم خود را روی تمام اقدامات محمدرضا شاه جز در مقاطعی که انگلستان قصد امتیازگیری از ایران داشت، بسته بود؛ یعنی در شرایطی از پهلوی حمایت می‌کرد که بتواند منافع استعماری خود را در ایران پیش ببرد و بتواند از منابع غنی ایران بهره‌مند شود. به‌عنوان



**بررسی نقش آفرینی تاریک شبکه بی‌بی‌سی در تاریخ معاصر ایران**

# کارنامه سیاه بی‌سیم ملکه

مثال این موضوع در شکل‌دهی به امارات عربی متحده و غائله‌سازی درباره جزایر سه‌گانه ایران دیده می‌شود.

۲- **نقش بی‌بی‌سی در کودتای ۲۸ مرداد و غارت نفت ایران**

در جریان ملی شدن نفت، انگلستان که بیشترین زیان را دیده بود تلاش کرد بار دیگر نفت ایران را در اختیار خود بگیرد. در سال ۱۳۳۰ در ابتدای ورود هرین، نماینده آمریکا به ایران، انگلیس سعی داشت از طریق حزب توده در خیابان‌های تهران آشوب ایجاد کند. این آشوب در ۲۲ تیر به وجود آمد که طی آن عده‌ای کشته زخمی شدند. روز ۲۴ تیر رادیو بی‌بی‌سی در تفسیر وقایع ایران گفت: «فاجعه‌روز یکشنبه نشان داد دکتر مصدق حاکم و مسلط بر اوضاع نیست و کمونیست‌ها در کمین هستند که ایران را ببلعند و اگر انگلستان پای خود را کنار بکشد کار ایران تمام خواهد شد». این تبلیغات سوء بر بستر زمینه سیاسی ایران تا زمان سقوط دولت ادامه داشت.

در ایسن زمان بی‌بی‌سی ۳ وظیفه مهم و سرنوشت‌ساز برعهده داشت:۱- از تسلط میان کودتاچیان و شاه ۲- ابلاغ پیام رمزی به شاه جهت جلب اعتماد او ۳- حمایت از کودتاچیان و تضعیف جبهه مصدق با تبلیغات وسیع.

بر همین اساس در لندن داری شر و وودهاوس ترتیبی دادند که برنامه اخبار بی‌بی‌سی که همیشه با عبارت «کنون نیمه شب به وقت لندن است» آغاز می‌شد، با عبارت «کنون دقیقاً نیمه شب است» آغاز شود. این علامت رمزی به برای شاه که انگلیسی‌ها از او حمایت خواهند کرد. رادیوی بی‌بی‌سی فارسی در فاصله ۲۵ تا ۲۸ مرداد همچنان به پخش و انتشار «گفتنی‌های لازم» مشغول بود. بی‌بی‌سی فارسی در شب ۲۸ مرداد در پایان برنامه‌های که ضد مصدق پخش کرد بار دیگر همان شعر فردوسی را یاد کرد که در شب ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ آورده بود:
چو فردا بر آید بلند آفتاب/ من و گرز و میدان و افراسیاب

۴- **نقش بی‌بی‌سی در جدایی بحرین از ایران**
در تابستان ۱۳۵۰ با فشار انگلستان، بحرین طی یک فرآندوم ساختگی و غیرقانونی از ایران جدا شد. بخش وسیعی از تبلیغات در این رابطه برعهده بی‌بی‌سی بود. این شبکه که یکی از عواملی شکل‌دهنده ۲۸ مرداد بود، در جریان جدایی بحرین از ایران با خیانت به ملت ایران شاه را نیز فریب داد. این شبکه طی برنامه‌های خود درباره مطالبات ایران در خلیج فارس، علیه ایران و به سود اعراب (و در واقع به نفع منافع استعماری خود) وارد عمل شد. پخش برنامه‌های بی‌بی‌سی در این رویداد نتگین به صورت ویژه‌ای جریان داشت. طوری به صورت مستمر و مداوم در راستای آامدسازی زمینه‌های فکری ایرانیان برنامه‌سازی و تبلیغ می‌شد. بی‌بی‌سی فریب افکار عمومی در ایران را طوری با موفقیت انجام داد که بعد از جدایی اقدام هیچ اعتراضی صورت نگرفت.

۵- **کارشکنی‌های بی‌بی‌سی در جریان انقلاب اسلامی**

در جریان انقلاب اسلامی ایران، بنگاه سخن‌پرانی بی‌بی‌سی با زیرکی خاصی همواره درصدد تضعیف مبانی انقلاب بود. این شبکه با به راه انداختن جنگ روانی علیه نیروهای انقلابی سعی می‌کرد از پیروزی انقلاب جلوگیری کرده و حکومت شاه را تداوم بخشد. بی‌بی‌سی با وارونه رویدادها و انتشار اخبار دروغین تلاش می‌کرد بین نیروهای انقلابی اختلاف ایجاد کند، ارتش را علیه نیروهای انقلابی تحریک کند، با



که در حوادث بعد از انتخابات توسط این شبکه خبری دنبال می‌شد و به خاطر پوشش همین اخبار بود که نمایندگان مجلس عوام انگلیس از دست‌اندر کاران این شبکه تقدیر و تشکر کردند.

۸- **وارونه‌نمایی بی‌بی‌سی در مذاکرات هسته‌ای**
نقش بی‌بی‌سی در جریان مذاکرات اخیر هسته‌ای در وین نیز در امتداد نقش تاریخی این رسانه استعماری است. بررسی محورهای تبلیغاتی و اطلاع رسانی این رسانه معاند جمهوری اسلامی به روشنی نشان می‌دهد این رسانه مطابق آنچه دستور می‌گیرد در تلاش است به هر شکل ممکن از رسیدن جمهوری اسلامی ایران به اهدافش از مذاکرات هسته‌ای ممانعت کند. در این باره باید اشاره کرد که گزارش‌های تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی درباره وضعیت سایت نطنز، پیوستن وزیران خارجه قدرت‌های اروپایی به مذاکرات هسته‌ای وین و مکانیسم لغو تحریم‌ها علیه ایران مهم‌ترین سوزه‌های تبلیغی بنگاه رسانه‌ای دولت بریتانیا در زمینه هسته‌ای بوده‌است. موارد زیر در این باره بیشتر توضیح می‌دهد.

**القای بی‌اعتمادی به ایران:** در حالی که جمهوری اسلامی ایران از نظر حقوقی تمام موازین قانونی هسته‌ای را تاکنون اعمال کرده و فعالیت‌های هسته‌ای‌اش مطابق معاهده منع گسترش بوده است اما بی‌بی‌سی فارسی اصرار ویژه‌ای دارد که همچنان انجام این تعهدات را غیرقابل اتکا دانسته و ایران را غیرقابل اعتماد نشان دهد. بر این اساس، طرح این گزاره که «هرچند ۳سایت فردو، نطنز و راکتور تحقیقاتی اراک هیچ‌کدام معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را نقض نکرده و آمریکا هم این را قبول کرده اما اعتماد کافی به آینده فعالیت‌های هسته‌ای ایران ایجاد نشده

است» در همین راستا ارزیابی می‌شود.

**تکرار کلیدواژه «جنگ سرد» و تأکید بر «آینده‌ای نامطمئن»:** در این باره همواره تأکید می‌شود در دستور کار خود قرار می‌دهد. از سال ۱۳۸۵ بود که وزارت خارجه انگلیس پیشنهاد تأسیس تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی را مطرح کرد و در سال ۱۳۸۶ بود که این پیشنهاد از سوی بازوهای رسانه‌ای دربار سلطنتی پذیرفته شد. از همان سال ۸۶ تمام تلاش‌ها برای هر چه زودتر روی آنتن بردن برنامه‌های بی‌بی‌سی فارسی آغاز شد و سرانجام ۲۵ دی ۱۳۸۷ و چند روز بعد از «۷۰ سالگی رادیو فارسی «بی‌بی‌سی»، برنامه‌های تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی روی آنتن رفت. تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی از همان ابتدا به انتخابات دور دم راهیاست‌جمهوری ایران که قرار بود در خرداد ماه ۱۳۸۸ برگزار شود پرداخت؛ موضوعی که شاید در آن زمان برای مخاطبان عام چندان غریب نمی‌نمود.

۱-**۲۴ ساعته شستن برنامه‌های بی‌بی‌سی در زمان انتخابات دهم ریاست‌جمهوری:** شبکه بی‌بی‌سی فارسی که چیزی حدود ۶ ماه پیش از دهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری پا به عرصه وجود گذاشته بود، تلاش بسیاری برای پوشش اخبار جهت‌دار انتخابات و نامزدها می‌کرد و درست ۲۴ ساعت پیش از آغاز رای‌گیری برنامه‌های خود را شبانه‌روزی کرد.

۲-**۷: تلاش بی‌بی‌سی در جهت تنویرزه کردن بحث تقلب:** شبکه متعلق به استعمار پیر که از ماه‌های قبل از انتخابات، خود را آماده بحران‌سازی کرده بود، پیشاپیش در اخبار و تحلیل‌های به اصطلاح کارشناسان سیاسی مسائل ایران، بحث تقلب را تنویرزه می‌کرد و قاطعانه بر آن پای می‌فشرد.

بی‌بی‌سی در چارچوب سناریوی خود، جمعه شب ۲۲ خرداد در قالب برنامه‌های زنده، پروژه تقلب در انتخابات را با حضور فرخ نگهدار، رئیس گروهک فدائیان خلق و صادق صبا، تحلیلگر سیاسی کلید زد و پس از این به تناوب انتشار خبرهایی از ایران، ارتباط مستقیم و… کارشناسانی مانند جمشید بزرگ، هاشم احمدزاده، احمد سلامتیان، سعید برزین، مسعود بهنود و… در استودیو و آدم‌هایی از احزاب و گروهک‌های داخل ایران هر لحظه به موازات اعلام آرای انتخابات ریاست‌جمهوری، بر حملات، تبییبت و تلقین تقلب در انتخابات افزود به طوری که نزدیک صبح و تا ظهر شنبه جملگی گزارش‌های این شبکه دستور حمله، اغتشاش و افزایش نارضایتی بود.

۲-**۷:نقش بی‌پدیل بی‌بی‌سی در اغتشاشات:** پوشش وسیع اخبار اغتشاشات در چند نقطه معدود تهران در این شبکه و انتشار بلادرنگ اخبار فتنه‌گران و بیبانه‌های آنان از جمله خطوطی بود

تأکید **ببر واژه «تصمیم سیاسی» درباره ایران:** بی‌بی‌سی فارسی طی روزهای اخیر بارها حل «مسائل باقیمانده» را منوط به «تصمیم سیاسی» ایران عنوان کرده، در حالی که تقریباً بر آگاهان سیاسی عرصه مذاکرات روشن است که پیش از هر چیز سردرگمی و اختلاف‌نظر تروئیکای اروپایی و آمریکاست که ترمز اصلی روند مذاکرات شده است.

بر این اساس به نظر می‌رسد بی‌بی‌سی فارسی تاکنون نقشش خود را در وارونه‌نمایی حقایق

مذاکرات بخوبی ایفا کرده و بیشترین تاثیر را در مقصرنمایی ایران داشته است، موضوعی که این

روزها در دستور کار اصلی اتاق فکرهای غربی علیه

جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است.



### خاطر هنجوسی خونبار

از مشخص‌ترین رویدادهای سال اول سلطنت رضاشاه، برخی اقدامات داخلی در مخالفت با وی بود. یکی از این اقدامات، شورش لپاک‌خان در اوایل بهار ۱۳۰۵/۱۹۲۶، از ایالت خراسان، در نواحی مرزی شوری بود. نخستین واکنش در قبال شورش لپاک‌خان، انتساب آن به تحریک و توطئه روس‌ها بود، بویژه آنکه شورش، هم صیغه انقلابی داشت و هم در جوار مرزهای شوری شکل گرفته بود. در این میان، مقامات انگلیسی نیز که از دیرباز تحولات این خطه را از نظر اهداف درآزمدت روس‌ها زیرنظر داشتند، در آغاز دست آنان را در کار دیدند ولی بزودی، با توجه به گزارش‌هایی که از مدت‌ها پیش در به هم ریختگی اوضاع نظامی و سیاسی خراسان دریافت شده بود، واقعیت آشکار شد. به‌نوشته‌میجر فریزر، وابسته‌نظامی سفارت بریتانیا، هرچند نمی‌توان تبلیغات آشوب‌طلبانه روس‌ها یا نقش برخی سازمان‌های کمونیستی محلی ترکستان یا قفقاز را در این شورش نادیده گرفت ولی به‌رغم نظر مقامات نظامی ایران که روس‌ها را مسؤول بروز این شورش می‌دانستند، دلیل اصلی آن را باید در نارضایتی و تنفر نظامیان از افسران ارشد قشون جست‌وجو کرد.اندکی پس از شورش پادگان مروآهتیه، آقابیکف افسر گپ‌ا (تشکلات امنیتی شوری)

دستور یافت برای ارزیابی گزارش‌های ضدونقیضی که درباره این ماجرا به مسکو می‌رسید، وارد عمل شود. از خاطرات وی چنین برمی‌آید که برخی مقامات محلی شوری در عشق‌آباد، با تأکید بر رنگ و بوی بولشویکمآبانه شورش، درخواست کرده بودند برای پشتیبانی از آن کمک‌هایی صورت گیرد. به‌اعتقاد آنان، دولت شوری با حمایت نکردن از این قیام اشتباهی بزرگ مرتکب شد، زیرا افراد وابسته به این جنبش، به کمک‌های دولت شوری امید زیادی داشتند و به سبب همین اهمال در رساندن کمک، دولت شوری در نظر شورشیان خواروخفید و از وجهه آن کاسته شده‌است. این موضوع بازتاب ناگواری نیز در میان همه ملل مشرق‌زمین برجا می‌گذاشت. با این حال، پیش از آنکه آقابیکف بتواند براساس دستوراتی که به او داده بودند، از اهداف لپاک‌خان، موقعیت و میزان همراهی مردم منطقه با او و عده دقیق نیروهای زیر فرمانش و بالاتر از همه نقش انگلیسی‌ها در این شورش، گزارشی تهیه کند و به مسکو بفرستد، شورش نظامیان خراسان در هم شکست و مقامات مرزی روسیه ماندند با ۷۰۰ تن از افراد لپاک‌خان که تقاضای پناهندگی کرده بودند. احتمالاً حتی اگر این نهضت دوام بیشتری می‌یافت و این گزارش به مسکو می‌رسید، باز هم در عملکرد شوروی تغییری داده نمی‌شد، زیرا در آن ایام سیاست خارجی شوری حمایت از اقتدار پهلوی بود و از تشویق و تشجیع مخالفان دوری می‌کرد. در خلال شورش نیز روس‌ها نه تنها عملاً کمکی نکردند، بلکه به لحاظ نظری نیز در مباحثی که در تفسیر و تعبیر این حرکت صورت گرفت، متخلف کردند. پاستوخف، رئیس بخش خاورمیانه کمیساریای امور خارجه شوری، مقاله‌ای که در روزنامه ایروزستا (۴ جولای/۱۲ تیر) چاپ شد، پس از گزارش وقایع سلماس و مروآهتیه، دست تکریماتی‌ها را که در میان واحدهای شورشی شدیداً فعالیت می‌کردند و برای تحریک و تقنین شعارهایی چون «مرگ بر دولت و برقرار باد قدرت شوری» می‌دادند، در کار دید. همچنین در پی سفر تیمورتاش به مسکو که اندک زمانی پس از سرکوب

نهایی شورش و در آستانه توافق‌های ایران و شوری صورت گرفت، بورینف، سفیر شوری در تهران که آن روزها در مسکو بود، در مصاحبه‌ای در ایران، پس از ابراز امیدواری و اطمینان از رفع اختلاف‌های تجاری ۲ کشور، درباره شورش خراسان گفت «شورشیان ایران که از مرز گذشته و وارد خاک شوری شده بودند، خلع‌سلاح شدند و در سربازخانه‌هایی بویژه در عشق‌آباد زیرنظر می‌باشند». وی در خاتمه‌بار دیگر اطمینان داد، روابط با ملل دوست همچوازل شکل محکم و کاملاً روشنی به خود خواهد گرفت و دشمنان ایران و اتحاد جماهیر شوری، موفق نخواهند شد تیرگی و کدورتی در این رابطه ایجاد کنند، زیرا رشته‌های منافع حیاتی، ایران و اتحاد جماهیر شوری را به هم مربوط و علاقه‌مند کرده است. «سرگمی یوویچ گناتش، از ارله‌های سرشناس داد، از خدمت در ارتش سرخ، از ۱۹۲۰ به سازمان چکا پیوست. پس از تبدیل سازمان چکا به گپ‌ا، آقابیکف نیز همچنان به کار خود در این سازمان ادامه داد. او در مأموریت‌های مختلفی، به افغانستان و ایران و ترکیه سفر کرد. آقابیکف هنگامی که در ترکیه به انجام وظیفه اشغال داشت، در ژانویه ۱۹۲۰ به فرانسه گریخت و در آغاز بخشی از خاطرات خود را در شماره‌های ۲۴ تا ۳۰ اکتبر ۱۹۳۰/۴ تا ۸ آبان ۱۳۰۹ روزنامه لوماتن - چاپ پاریس - منتشر کرد. سپس در سال بعد همه یادداشت‌های خود را در کتابی به زبان فرانسوی منتشر کرد. وزارت امور خارجه ایران نیز نسخه از این کتاب را تهیه کرد و در اختیار سرتیپ ابرم، رئیس کل نظمیہ گذاشت. انتشار کتاب آقابیکف در مجلعه رسمی ایران تاثیر زیادی گذاشت و همه کسانی که به نحوی از آنان، در شرح مأموریت‌های آقابیکف در ایران یاد شده بود، تحت پیگرد قرار گرفتند و در نتیجه در حدود ۲۵۰ نفر در تهران، ۱۳۰ نفر در خراسان و ۵۰ نفر در آذربایجان دستگیر شدند. پس از بازجویی از این عده، همه به جز ۳۲ نفر آزاد شدند که از این عده پس از محاکمه در دادگاه‌های نظامی، ۴ نفر اعدام و بقیه به زندان‌های کمتر از ۱۵ سال محکوم شدند.

**منبع: روابط ایران و شوری در دوره رضاشاه مرکز اسناد و بیدلمسی**